

اشاره

۲۴ آبان، سالروز درگذشت فرزانه ای فرهیخته و عارفی کامل است که عمر ۷۹ ساله خود را، برای شکوفایی معارف دینی و گسترش آن در جامعه انسانی هدیه نموده و با گذر از دانه و دام دنیایی، سبکبال با توشه ای گران سنگ چون تفسیر المیزان، به سوی یار پرکشید. بزرگداشت بزرگ مردی چون علامه سید محمدحسین طباطبایی، ارج گزاری به تمامی عالمان و دانشمندان دینی است که با سخت کوشی های خود، دانش، معنویت و روحانیت را به انسان ها تقدیم می دارند. روح پاکش مهمان سفره رحمت الهی باد.

حقیقت طلبی علامه

یکی از ویژگی های علمی علامه طباطبایی، حقیقت طلبی ایشان بود. در این باره نوشته اند: «مرحوم علامه طباطبایی، زندگی و سرمایه عمر خود را در راه حقیقت طلبی صرف کرد. ایشان، پیش از آنکه به دنبال جریان های رایج باشد، به دنبال حقیقت بود و هر گاه حقیقت را می یافت و با تأمل و تحقیق، چیزی را کشف می کرد، در بیان و اظهار آن تردید روا نمی داشت. ایشان، اهل هیاهو و جوسازی هم نبود و تنها از راه تدریس و گفتار و نوشتار معارف، نظرات خود را مطرح می ساخت.»

روش تدریس

برخی از ویژگی های مربوط به تدریس علامه طباطبایی را می توان در پرهیز از پراکنده گویی؛ بیان مطالب عالی با عبارات کوتاه و رسا؛ تکریم مقام دانشمندان و احترام به مقام علمی آنان؛ توجه کامل به اشکال شاگردان و رعایت احترام آنان؛ فروتنی و متانت در پاسخ به پرسش ها و شتاب نکردن در جوابگویی و نکاتی مانند آن، بیان کرد.

توجه به اندیشه های متفکران غیرمسلمان

یکی از ویژگی های علامه طباطبایی، توجه به تحقیقات و یافته های دیگر دانشمندان در دانش های گوناگون روز بود. ایشان در عین تسلط بر فلسفه و عرفان و متون اسلامی، هرگز خود را در این محدوده محصور نساخت، بلکه مرزهای معرفت و تحقیق را تا منابع غیراسلامی نیز گسترش داد و معتقد بود که «باید جهان را شناخت و نباید خود را در برج های خویش محصور و منزوی کرد». آشنایی علامه با معارف دیگر مکتب ها و حوزه های فکری دیگر، سطحی نبود و عمق و غنای بالایی داشت.

ترویج نویسندگی

یکی از خدمات بزرگ علامه طباطبایی به جامعه دینی زمان خود، پرورش و تربیت تنی چند از نویسندگان بود. یکی از شاگردان ایشان می گوید: «در سال ۱۳۳۵ که حملات و تبلیغات مادی گری در ایران افزایش یافته بود و هیچ مقاله دینی و نشریه علمی در ایران وجود نداشت که پاسخ گوی نیازهای روز باشد، استاد (علامه طباطبایی) انجمنی متشکل از فضایی آن روز حوزه به وجود آورد و از آنان، نویسندگی و تنظیم مقالات در موضوعات مختلف را درخواست کرد. طرح موضوع توسط خود استاد انجام می گرفت و نگارش مقالات بر عهده دیگران بود که شهید مطهری، شهید قدوسی و امام موسی صدر از شمار کسانی بودند که اولین مقالات را تهیه و تنظیم کردند.»

عیب پوشی

یکی از شاگردان علامه طباطبایی می گوید:

«از خصوصیات علامه طباطبایی، این بود که هیچ گاه از کسی بدگویی نمی کردند. در طی ۳۵ سال ارتباط با ایشان، جز بدگویی از دربار

و رژیم طاغوت، حتی یک بار هم بدگویی کسی را از ایشان نشنیدم؛ علامه، عیب کار کسی را اظهار نمی کرد.

همچنین از جمله درس هایی که من از این مرد بزرگ گرفتم، این بود که در همه لحظات، مراقب خویش بود و کنترل خود را به دست داشت. خدا شاهد و گواه است که در این مدت از ایشان، حتی یک بار غیبت کسی و یا کلمه ای تعریف و تمجید از خودشان نشنیدم».

زندگی قرآنی

انس و آشنایی علامه طباطبایی با ژرفای معارف قرآنی، از او عالمی ربّانی ساخته بود که جلوه های رفتاری اش، همگی از تأثیرپذیری از قرآن حکایت داشت. همراهان علامه و شاگردان ایشان در باره استاد خود چنین می گویند: «سیره زندگی علامه طباطبایی با قرآن آمیخته بود؛ یعنی با قرآن زندگی می کرد، با قرآن می اندیشید، شاگرد خوب قرآن بود، با قرآن معارف الهی را در می یافت، با قرآن سخن می گفت، و با قرآن مطلب می نوشت؛ یعنی تمام شئون زندگی این عالم ربّانی را، وحی خدا رهبری می کرد».

دگرگونی با تلاوت آیات

یکی از همراهان علامه طباطبایی که در نگارش و ترجمه تفسیر المیزان در کنار علامه بود، درباره تأثیرپذیری علامه طباطبایی می نویسد: «علامه طباطبایی، قرآن را در خود پیاده کرده بود. وقتی در تفسیر قرآن کریم به آیات رحمت یا غضب و یا آیات توبه برمی خوردیم، ایشان متقلب می شد و اشکش جاری می گشت و سعی می کرد آن را از من مخفی نگه دارد. یک بار در زمستان، پشت کرسی نشسته بودیم و به مقابله تفسیر فارسی با عربی می پرداختیم که به آیه ای در باب توبه و رحمت پروردگار و آمرزش گناهان رسیدیم، ایشان نتوانست به گریه بی صدا بسنده کند و سرش را پشت کرسی پایین آورد و شروع کرد به بلند گریه کردن».

افتادگی آموز اگر طالب فیضی

مرحوم علامه جعفری، درباره یکی از ملاقات هایش با علامه طباطبایی، خاطره ای شیرین دارد: «روزی به قصد دیدار علامه طباطبایی به منزلشان رفتم و در خانه را زدم. پیرمردی در را باز کرد. گفتم: آقا تشریف دارند. گفتند: بله. گفتم: به ایشان عرض کنید اگر حالشان مساعد باشد، به خدمت ایشان برسم. آن شخص رفت و پس از بازگشت مرا به یک اتاق راهنمایی کرد. پس از لحظاتی مرحوم علامه آمدند و پس از سلام و احوال پرسی گفتند: چون در حال تشرّف به مشهد مقدس هستم، فرش های اتاق را جمع کرده ایم. صبر کنید بروم و قالیچه ای بیاورم تا روی آن بنشینیم. من دست ایشان را گرفتم و گفتم: نیازی نیست و عبا را از دوش خود برداشتم و پهن کردم و گفتم: بفرمایید. آن انسان وارسته با یک قیافه ملکوتی که هرگز از یاد نمی برم فرمود: «در این موقع عمرم، درس آموزنده ای به من آموختی». من عرض کردم: این جمله هشداردهنده شما، خیلی آموزنده تر و سازنده تر از سخن من بود.

دلداده خاندان وحی

درباره علاقه بسیار علامه طباطبایی به اهل بیت علیهم السلام نوشته اند: علامه طباطبایی، علاقه و شیفتگی خاصی نسبت به ائمه طاهرين علیهم السلام داشتند. وقتی نام یکی از آنها برده می شد، اظهار تواضع و ادب در چهره ایشان نمایان می شد. ایشان نسبت به امام زمان (عج) تجلیل خاصی داشتند و مقام و منزلت حضرت رسول الله و حضرت صدیقه کبری را فوق تصور می دانستند و یک نحو خضوع واقعی نسبت به آن بزرگان داشتند و مقام و منزلت آنان را ملکوتی دانسته و به سیره و تاریخ آنها کاملاً آگاه بودند.

بر آستان کوی دوست

یکی از ویژگی های علامه طباطبایی، ارادت و احترام ویژه نسبت به اهل بیت علیهم السلام بود. یکی از شاگردان ایشان در این باره می گوید: «علامه، نسبت به اهل بیت، به ویژه حضرت علی علیه السلام تا سر حد عشق دل بستگی داشتند. هیچ به خاطر ندارم که از اسم هر یک از ائمه علیهم السلام بدون ادای احترام گذشته باشند. در مشهد که همه ساله مشرف می شدند و تابستان را در آنجا می ماندند،

وقتی وارد صحن حرم رضا علیه السلام می شدند، بارها می دیدم که دست های لرزان را روی آستانه در می گذاشتند و آستان در را می بوسیدند. گاهی که از محضرشان التماس دعایی در خواست می شد، می گفتند: «بروید از حضرت بگیرید، ما اینجا کاره ای نیستیم، همه چیز اینجاست».

دلیل علاقه شهید مطهری رحمه الله

استاد شهید مرتضی مطهری، چنان از علامه طباطبایی تمجید می کردند که در هنگام یاد از علامه، تعبیر «روح و جانم فدای او» از ایشان شنیده می شد. خود شهید مطهری درباره علت علاقه و ارادت به علامه طباطبایی می گویند: من فیلسوف و عارف بسیار دیده ام و احترام مخصوص من به ایشان (علامه طباطبایی) نه به خاطر این است که ایشان یک فیلسوف است، بلکه احترامم به این جهت است که او عاشق و دلباخته اهل بیت است. علامه در ماه رمضان، روزه خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت معصومه علیهاالسلام افطار می کرد. ابتدا پیاده به حرم مطهر مشرف می شد، ضریح مقدس را می بوسید، سپس به خانه می رفت و غذا می خورد. این ویژگی اوست که مرا به شدت شیفته ایشان نموده است».

شوخی طبیعی

یکی از دانش پژوهان محضر علامه طباطبایی، درباره شوخی طبیعی علامه، خاطره ای چنین دارد: در مشهد مقدس، روزی برای دیدن علامه وارد منزل ایشان شدم. دیدم ایشان روی تشکی در اتاق نشسته اند. با ورود من، علامه از روی تشک برخاست و مرا به نشستن روی آن تعارف کرد ولی من از نشستن خودداری کردم. من و ایشان مدتی هر دو ایستاده بودیم تا اینکه علامه فرمودند: بنشینید تا من جمله ای عرض کنم. من ادب کرده و اطاعت کردم و روی تشک نشستم. ایشان نیز روی زمین نشسته و فرمودند: «جمله ای را که می خواستم عرض کنم این است که آنجا نرم تر است».

نظم علامه

یکی از شاگردان علامه طباطبایی درباره نظم استادشان می گوید: علامه طباطبایی بسیار منظم بود. غالباً قبل از شاگردان در کلاس درس حاضر می شد. دقیقه ای تخلف نمی کردند و تا دقیقه آخر هم درس می دادند و این برنامه دایمی ایشان بود. در برف و سرما، در طول ده و دوازده سال یادم نمی آید که ایشان یک دفعه هم درس را تعطیل کند. اتفاق می افتاد که ساعت ها مطالعه یا فکر می کرد و یا می نوشت. نظم و پشتکار زیادی داشت.

انضباط در فراگیری علم

مرحوم آیت الله احمدی میانجی، درباره یکی از خاطراتش از علامه طباطبایی می گوید: یکی از خاطراتی که از ایشان (علامه طباطبایی) به یاد دارم، این است که می فرمود: دوازده سال نجف بودم و در این سال ها، تنها دوازده روز درس را تعطیل کردم، یعنی سالی یک روز. در طول سال فقط روز عاشورا را تعطیل می کردم. به ایشان عرض کردم: خسته نمی شوید؟ فرمود: علم همچون باغ است. اگر در این باغ خسته شوم، به باغ دیگر می روم. ایشان وقت را مثل طلا می دانست و از اوقاتش در نجف و قم استفاده کامل می کرد. روزی می فرمود: من در شبانه روز شش ساعت را صرف خوردن، خوابیدن و عبادات می کنم و هیجده ساعت هم مشغول تفکر هستم.

طراحی مدرسه

یکی از ویژگی های علامه طباطبایی، تسلط بر برخی از دانش ها مانند ریاضی و نجوم بود تا آنجا که در طراحی یکی از مدارس بزرگ حوزه علمیه قم، به نام مدرسه حجتیه، که هم اکنون نیز محل تحصیل طلاب علوم دینی است، نقش به سزایی داشتند. مهندسان، نقشه ساختمانی این مدرسه را زیر نظر ایشان طرح و اجرا می کردند و ایشان بر کارشان نظارت داشت، نقشه ها را می دید و اشکالات آنان را

متذکر می شد.

تجلیل از همسر

دختر بزرگوار علامه طباطبایی، درباره ارتباط عاطفی ایشان با همسر خود می گوید: رفتار علامه با مادرم بسیار احترام آمیز و دوستانه بود. همیشه طوری رفتار می کردند که گویی مشتاق دیدار مادرم هستند و ما هرگز اختلافی بین آن دو ندیدیم. پدرم همیشه از گذشت و تحمل مادرم تمجید می کرد و می گفت: از اول ازدواج، همیشه با هم یک رنگ و یک دل بوده ایم. پدرم هرگز از رفتار خوب خود حرفی نمی زد و همه خوبی ها را به مادرم نسبت می داد. حتی بعد از فوت مادر، ایشان همیشه از مادرم به نیکی یاد می کردند و می گفتند: این زن بود که مرا به اینجا رساند. او شریک من بوده است و هر چه کتاب نوشته ام، نصفش مال این خانم است.

عظمت علامه

یکی از بزرگان که از جرعه نوشان محضر علامه طباطبایی بوده، می گوید: در روز عیدی، عده ای از افراد از قشرهای مختلف، نزد علامه آمده بودند. کنارم جوانی بود که محو عظمت علامه شده بود. چند دقیقه مجلس به سکوت برگزار شد و ابهت خاصی در آن بود. یک وقت آن جوان بی اختیار اشک از چشمانش جاری شد و گفت: من تعجب می کنم که چگونه زمین سنگینی این مرد (علامه طباطبایی) را تحمل می کند. این جمله عجیبی بود که من از آن جوان شنیدم و حقیقت هم همین بود. انسان یک احساس عظمت و ابهتی در وجود علامه می کرد که وصف کردنی نیست.

آخرین نصیحت

یکی از استادان اخلاق، در خاطره ای از آخرین ملاقات با استاد خود، علامه طباطبایی می گوید: آخرین جلسه ای بود که با گروهی از بزرگان، خدمت علامه رفتیم. حال ایشان خوب نبود. به احترام جمع نشست، ولی حرف نمی زد. جلسه طول کشید. بعد از آن جلسه، حال ایشان بد شد و ایشان را به بیمارستان بردند. لحظات آخر عمر شریف علامه بود که به ملاقات ایشان رفتیم. ما که از اتاق بیرون آمدیم، از قول خانم ایشان نقل کردند که لحظه مرگ، ایشان چشم ها را باز کرد و به گوشه ای خیره شد و آن گاه سه مرتبه فرمود: توجه! توجه! توجه! و از دنیا رفتند. این جمله، یادآور نصیحت همیشگی ایشان بود که شاگردان خود را به مراقبت و پاسبانی از حریم دل دعوت می کردند و آن را چون تخم سعادت می دانستند که می بایست در مزرعه دل کاشت.

مجموعه معارف

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای، در قسمتی از پیام خود به مناسبت سالگرد ارتحال علامه طباطبایی، ایشان را چنین ستودند: «او (علامه طباطبایی) مجموعه ای از معارف و فرهنگ اسلام بود، فقیه بود، حکیم بود، آگاه از اندوخته های فلسفی شرق و غرب بود، مفسر قرآن بود، از علوم اسلامی، یعنی علومیه که از اسلام نشأت گرفته، یا از آن تغذیه کرده است، مطلع بود... شخصیت او، در لابه لای این دانستنی های بسیار، به کمک ریاضتی مداوم و درازمدت پرورده، صیقل یافته و پرداخته شده بود. از کسانی بود که تنها مکتب جامعی چون اسلام می تواند امثال او را در دامان پربرکت خویش پرورش دهد».